

## پرده دوم بازی بزرگ

افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی خود یا بهتر بگویم به مثابه یک گر هگاه جیوپولیتیک منطقه یی "هارتلند" همواره میدان رقابت قدرتهای منطقه یی و منازعات سیاسی - نظامی بازیگران جهانی بوده است. زمانی سکندر کبیر خواهان اشغال هندوستان از طریق افغانستان بود. چندین قرن بعد چنین مداخلات به اشکال گوناگون از طرف کشور های پرتگال، نیدرلند، فرانسه و بریتانیا بر سر تسخیر منطقه آغاز گردید. در سال ۱۸۰۰ ناپلئون با توافق امپراطور روسیه در صدد شد تا از طریق افغانستان و ایران به هند حمله نماید. از آن به بعد منطقه میدان رقابتهای شدید دو حریف زورمند، بریتانیا و روسیه گردید. خاصاً بریتانیا تلاش می نمود، تا:

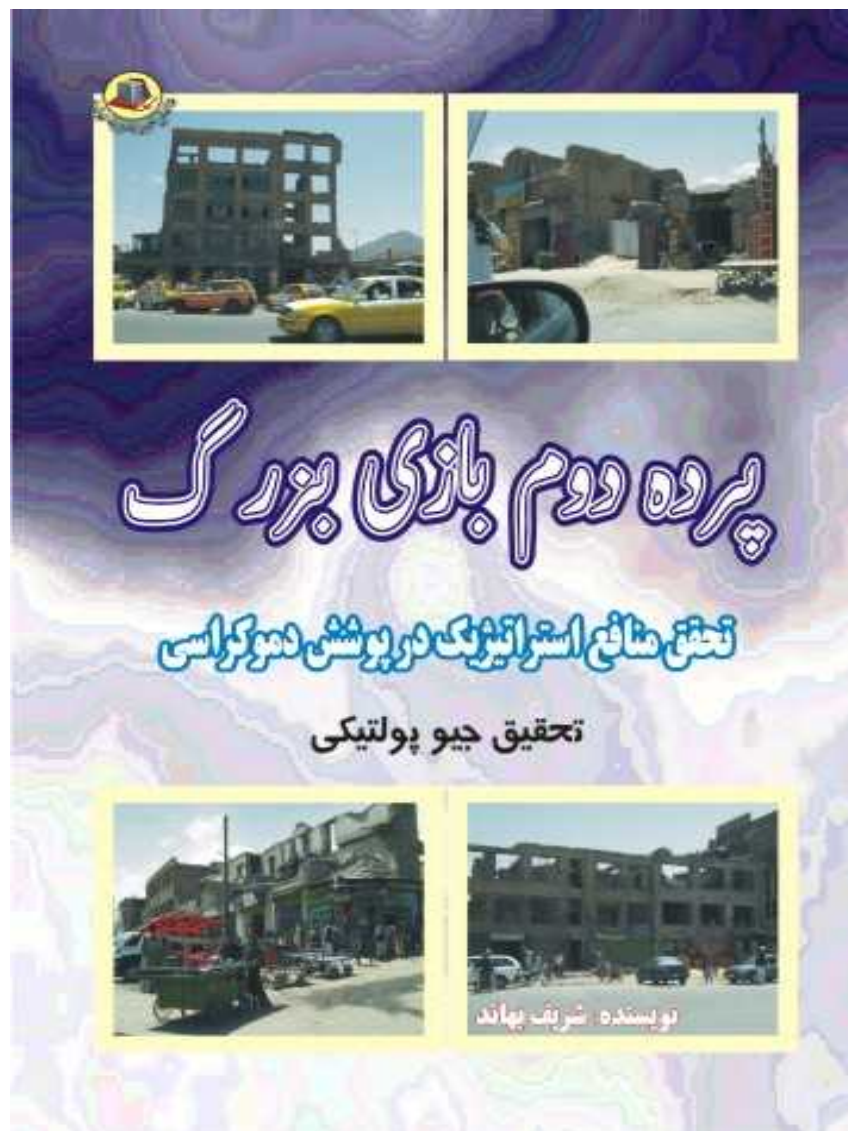
- پیشرفت نفوذ اقتصادی - نظامی روسیه را متوقف نماید؛
- با استقرار نیروی نظامی در افغانستان از پیشروی روسها به سمت هندوستان جلوگیری نمایند.

زیرا از نظر دانشمندان علوم سیاسی آلمان دال هرمن کرسیتوف: "که شوک پر افغانستان واکمن وی، کولی شی هند خپل وگنی... حکه دوی به دغه هیواد د یوه اوسپنیز مورچل په توگه د سرو زرو د خول (هندوستان) د ساتلو لپاره په خپل واک کې ولری". مک نیل Mac-Neil نماینده امپراتوری بریتانیا در ایران، سقوط افغانستان خاصاً ولایت هرات را "... ناقوس مرگ هندوستان ... می دانست. رهبران روس نیز به این نظر بودند، که بریتانیا "باید در آسیا مورد حمله قرار داده شود تا بتوان در اروپا با شرایط سهلتری با وی کنار آمد". لذا روسها "... برقراری روابط با مشرق زمین ... و پیشروی تا هندوستان که انبار گنجینه های جهان است ... برای کشور خود حیاتی می دانستند. روس ها جهت رسیدن به این هدف به سوی جنوب سرازیر شده و در سال ۱۸۶۷ تحت رهبری کافمن Kaufmann ایالت ترکستان تشکیل نمودند. به گفته گرلوف Grulew "د دغه ایالت جوړول باید یوازی د یوه بنسټ په توگه زموږ د پرمختګ لپاره د هند په لوری مرسته وکړی". بدین ترتیب مرکز ثقل رقابت و مخاصمات هر دو امپراتوری که در تاریخ به نام بازی بزرگ Grat Game یاده شده، افغانستان گردید. گرچه پرده اول این بازی با موافقتنامه سال ۱۹۰۷ بین هر دو امپراتوری و ایجاد "یک منطقه مانع برخورد ها" به پایان رسید، مگر با آنها هر دو حریف دیرینه در خفا با مهارت کامل و حساب شده در پی تعقیب ستراتیژی استعماری خویش بودند.

با آنکه در جریان تاریخ ابر قدرتهای دگرگون شدند و قدرتهای جدید جهانی با نظام به اصطلاح نوین دموکراتیک و مترقی بوجود آمد، مگر در فطرت استعمارگرانه و جهانخوارگی حکومات و دولت های آنها هیچ نوع تغییر وارد نشده است. چهره واقعی چنین سیاست های تجاوز گرانه کهنه با بازیگران نو حمله یی نیرو های اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان است، که به ادامه همان سیاست تزاری روسیه دیروز صورت گرفت. اما هدف اساسی حریف آن، اضلاع متحده آمریکا و متحدین وی از آغاز این بازی، یعنی پرده دوم "درگیر نمودن شوروی در جنگی بود، که پیروزی شان در آن ناممکن به نظر می رسید". در نهایت شوروی شکست خورد. با سقوط اتحاد شوروی صاحب نظران فکر نمودند، که افغانستان با موقعیت فوق العاده حساس ستراتیژیک اش، از این به بعد در فضای صلح و اعتماد نقش اساسی را در همکاریهای سیاسی - اقتصادی جهانی و منطقه یی بازی خواهد کرد. مگر قسمیکه جریانات کنونی نشان می دهد، "ائتلاف های جدید بین المللی اطراف افغانستان" جای رقابت زمان جنگ سرد، را گرفته است. چنین گروهبندی در جریان مقاومت شکل گرفته و هر یک از آنها خاصاً هر یک از کشور های شامل این گروهها در تحقق اهداف و منافع ستراتیژیک خود با دیگر در رقابت شدید قرار دارند.

حال این پرسش مطرح می شود که آیا همین رقابتهای علت دوام جنگ در افغانستان است، که روز تا روز سیمای خشن تری به خود می گیرد یا اینکه عوامل دیگر باعث دوام آنست؟ زیرا کارشناسان امور نظامی - سیاسی مقتدرترین سازمان نظامی جهان (ناتو) اعتراف می نمایند که اوضاع امنیتی افغانستان روز تا روز بحرانی تر می شود. طور مثال جنرال آمریکایی، مایک مولن "اوضاع افغانستان را جدی و در حال وخیم تر شدن توصیف کرد". منشی سابقه پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو)، یاپ دی هوپ سخفر نیز پذیرفته که ماموریت این سازمان در افغانستان "خطرناک، پر هزینه، بدون تاریخ مشخص پایانی و بدون تضمین موفقیت" است. خلف وی، آنرس فور راسموسن می گوید: "این ائتلاف تا زمانی که لازم باشد به حمایت خود از مردم افغانستان ادامه خواهد داد و با گروه طالبان خواهد جنگید". اما جالب تر از همه سخنان جنرال بریتانوی، دیوید ریچارد است. به نظر وی جهت: "رسیدن به هدف مورد نظر بریتانیا به زمانی زیاد و سرمایه گذاری قابل توجه نیاز است". "... از این رو ... بریتانیا در ۳۰ - ۴۰ سال آینده برای ایفای نقش در مواردی همچون کمک به توسعه، کشور داری و اصلاح بخش امنیت، در افغانستان حضور

خواهد داشت". این همه ثبوت آنست که اتازونی منحبث یگانه ابر قدرت کنونی جهانی و متحدین آن نیز به همان راه و نقشه می روند که سلف او آنرا پیموده است. تاریخ که آئینه عبرت است، نیز ثابت نموده که این کشور مکان امن برای قدرت های جهانی نبوده و نه خواهد بود. پس کدام عوامل باعث شده که ایالات متحده و متحدینش با استفاده از کلیه وسایل ممکنه جنگ نا موفقی را در افغانستان براه انداخته اند؟ و یا اینکه روسیه در پی انتقام و محاسبه است و رقیبای دیرینه خود را در یک جنگ فرسایشی درگیر نموده است؟ یا برخلاف اعضای سازمان نظامی اتلاننتیک شمالی (ناتو) تلاش دارند، جهت بدست آوردن اهداف ستراتیژیک خود حلقه محاصره منطقه هارتلند را تکمیل و بر منابع باقیمانده مواد اولیه خاصاً نفت، گاز، یورانیوم و سایر مواد اولیه، خط السیر انتقال این مواد (پایپ لاین نفت و گاز)، تسلط حاصل نمایند؟ قدرتهای منطقه پی مانند ایران، هند، پاکستان، عربستان سعودی، چین و سایر قدرتها حضور نظامی و اشنگتن و سازمان ناتو را خطر جدی به منافع ستراتیژیک خود میدانند و یا اینکه از موجودیت آنها حمایت می کنند، تا در منطقه برتری سیاسی را نصیب و اهداف ستراتیژیک خویش را بدست آورند؟ چرا افغانها به خاطر دشمنی دیرینه قدرتهای جهانی و همسایه های شریر، شیطان صفت و دو رویه خود بهای خونین و گرانی می دهند؟ از همین جهت تلاش شد ستراتیژی های پشت پرده قدرتهای جهانی و همسایه در یک رساله بررسی تا اگر جوابی به سوالات فوق ارائه شده بتواند. این رساله:



نام دارد و در آن موضوعات ذیل تحلیل و بررسی شده است:

تعداد صفحات: 2 از 3

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

## فهرست مطالب

مقدمه

سخنی با خواننده

فصل اول:

۱ - علل عروج و زوال قدرتهای جهانی

۱ - ۱ جاپان و روسیه

۱ - ۲ استیلای بریتانیا

۱ - ۳ نظام جهانی گذشته و جنگ سرد

۱ - ۴ عوامل جنگ سرد

فصل دوم:

۲ - نظام جهانی بعد از جنگ سرد

۲ - ۱ ایالات متحده آمریکا تعیین کننده نظم جهانی

۲ - ۲ احتمال چند قطبی شدن نظام بین المللی

فصل سوم:

۳ - منافع ستراتیژیک قدرتها عامل دوام جنگ افغانستان

۳ - ۱ بازی بزرگ Great Game

۳ - ۲ کنوانسیون آسیایی Asien Konvention

۳ - ۳ شکست طلسم و آغاز بحران

۳ - ۴ رویا روی خرس قطبی و کاوبای ها

۳ - ۵ افغانستان میدان رقابت قدرتها جهانی و منطقه یی

۳ - ۶ پاسداران "شریعت" و پایپ لاین

۳ - ۷ کنفرانس بن

۳ - ۸ اهداف ستراتیژیک قدرتهای جهانی و منطقه یی

۳ - ۹ بیرون رفت از ناهنجاریها

الف: ستراتیژی سیاسی

ب: ستراتیژی اقتصادی

مأخذ و منابع:

رساله فوق را مطبوعه اسد دانش در کابل چاپ و به نشر سپرده است. امید می رود مورد توجه هموطنان قرار گیرد.  
شریف بهاند